

واکنش هنرمندان به فاجعه فقدان استاد «داریوش مهرجویی»

شیشه پنجره را باران شست

نقطه ای تاریک و بزرگ در ذهن هنر ایران شد که پاک نخواهد شد. مهرجویی منزل جدید مبارک. این پرونده پاسداشتی از هنر این استاد کارگردان بلامنازع ایران، استادی که پرونده آثار حرفه‌ای‌اش به قدری پر بار است که هیچ دشنه جهلی یارای محو کردن آن را نداشته و هیچ چاقویی گلوی آن را نمی برد! با واکنش برخی هنرمندان و اهالی هنر نسبت به این فاجعه دردناک همراه ما باشید.

شیشه پنجره را باران شست، از دل من اما... چه کسی نقش تو را خواهد شست. هر چقدر تلاش می کنم این برگ از سینمای ایران با این پایان بندی، ورق نمی خورد. مثل صفحه کیومرث پور احمد که هنوز باز است. رویدادی که ذهن از درکش قاصر باشد، تا ابد... چون نقطه ای مجهول، پرسشی بی پاسخ، مثال وحشتی ادامه دار از موجوداتی که نمی بینیم شان اما هستند و تاثیرشان پیداست، با ما خواهد ماند، با این پایان سخت مهرجویی هم مانند پور احمد،

هومن سیدی:

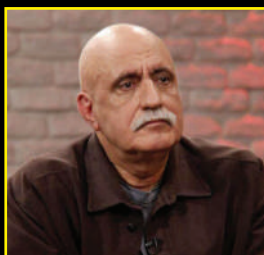
کاش از این کابوس بیدار شوم



درست است که مرگ حق است اما مرگ ناحق ظلم. این دیگر چگونه اتفاقی بود! کاش کسی بگوید همه چیز کابوس است، کاش کسی بگوید این سیاهی روزی تمام میشود. مرگ افتاده به جانمان. جان و جسم می گیرد در دم. کشتار شبانه در خانه آقای مهرجویی! باور نکردنی است. سهمناک و موحش است. به چه گناهی؟ آن هم اینگونه وهمناک عده‌ای، دو انسان بی دفاع را کشتار کنند!

هوشنگ گلمکانی (روزنامه نگار):

کلمات می گریزند و کافی نیستند!



دیگر کلمات هم می گریزند، کافی نیستند. مدام تصویر مهرجویی در مصیبت های این یکی دو سال اخیر به یاد می آید، قبل ترش به کنار که گفت کارنامه بیش تر حاصل سانسور است تا اراده خودم. تصویر کابوس های آخر در ذهنم رژه می روند. لامینور، تعویق اکران، ویدئوی اعتراض، فریاد، توطئه، ویدئوی دوم، توهین، توهین، توبیخ، توهین، توهین، استنطاق، توهین، توهین، تعقیب، توهین... این چه بساطی است برای فیلم ساز تاریخ ساز ما؟ و حالا این شب خونین و هولناک که خواب می گریزد از جسم و جان و روح و روان. در این شب وحشت و خون و ناباوری بار دیگر آرزوی منم می خوابیدم و بیدار نمی شدم تا تمام شود این کابوس ها، اما خواب می گریزد مثل آهویی که...

شهرام مکرری:

کات! داریوش مهرجویی...



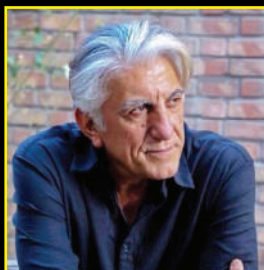
شهرام مکرری در واکنش به این فاجعه مهیب، برشی از گفت و گوی از گفتگوی داریوش مهرجویی ومانی حقیقی را از کتاب؛ مهرجویی کارنامه چهل ساله منتشر کرد؛

داریوش مهرجویی: «اگر خوب به موضوع دقت کنی، خالصا و مخلصا فیلمهای ما بهترین نمونه کار کردن در شرایط فشار است هنرمندی که در شرایط سخت نظارتی کار می کند و فشارهای همه جانبه و سرکوب و سانسور شدیدی که دورش را.

گرفته اند، ناچار است که این در و آن در بزند و خودش را کج و راست کند تا بتواند از این نگاه سانسوری ظالمانه فرار کند و بگذرد. شاید اگر چنین شرایطی در میان نبود الان کارنامه سینمایی من به کل چیز دیگری بود مدام پس کله ام این قضیه وول می خورد که عالی ترین ایده هایی که به سرم می زند و سرشوقم می آورد، ناگهان با تصویر و تجسم یک سانسورچی روبه رو می شود که آنجا نشسته و میخاهد کار را رد کند یا بخش هایی از آن را حذف کند حالا من باید برای میزان فهم و شعور او چه بنویسم و بسازم که توان فهمش را داشته باشد؟ این نخبه کشی در ذات ما بوده و هست و کاری اش هم نمی شود کرد.»

رضا کیانیان:

خانه او حالا چه شکلی به خود گرفته؟



درد پشت درد! مرگ پشت مرگ، اما قتل؟ چرا قتل؟ الان خانه ی او چه شکلی به خود گرفته؟ سرخ شده؟ پر از خون خشکیده به در و دیوار است؟ چرا و چگونه او را کشتند؟ در خواب؟ در بیداری؟ پیر مرد چقدر درد کشیده تا خلاص شده؟ همسرش چه طور؟ آیا مرگ بکدیگر را دیده اند؟ او نه پولدار بود، نه دشمنی تا این حد داشت. اگر پنج کارگردان نامی در تاریخ سینمای ایران بودند و هستند بی هیچ شکی یکی از آن ها داریوش مهرجویی بود. اشک چشمان مان خشک شده باید خون گریه کنیم. او یک خصلت برجسته داشت.. او کار می کرد. فیلم می ساخت. تا آخرین قطره ی جانش مهم نیست فیلم های آخر او را دوست داشته باشیم یا نه! مهم این است که او خسته نمی شد. کنار نمی کشید کار می کرد به همین خاطر زنده بود. خودش خودش را نکشت. این برای من مهمترین است.



مدیر عامل: مصطفی طباطبائی
مدیر تولید: احمد کورکویی، ژانگوان وینگ لی، کارگران
مدیر اجرایی: مهدی حیدری، مدیر برنامه‌ریزی: یونانر کفی، محمد علی مکه، سید کامران و
برنامه‌ریز: امیر حسین موسوی، انتشارات کارگران محمد صفایی پور، قرآن مستند
طرح اجرایی: نیلوفر امیرحسینی، امیرحسین قاضی، امیرحسین یزدانی، محمد
صادق رضوانی، امیرحسین یزدانی، ناصر نصر نهدی، ساسان مستشار، رضا فرهادی
چاپ: سیمین پهنام، اولکس، فلان، آتش، قرآنی، صفا، خورشید، بسجود، جودا

مدیر عامل: مصطفی طباطبائی
مدیر تولید: احمد کورکویی، ژانگوان وینگ لی، کارگران
مدیر اجرایی: مهدی حیدری، مدیر برنامه‌ریزی: یونانر کفی، محمد علی مکه، سید کامران و
برنامه‌ریز: امیر حسین موسوی، انتشارات کارگران محمد صفایی پور، قرآن مستند
طرح اجرایی: نیلوفر امیرحسینی، امیرحسین قاضی، امیرحسین یزدانی، محمد
صادق رضوانی، امیرحسین یزدانی، ناصر نصر نهدی، ساسان مستشار، رضا فرهادی
چاپ: سیمین پهنام، اولکس، فلان، آتش، قرآنی، صفا، خورشید، بسجود، جودا

